

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۸ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۱۹

نسبت‌سنجی اعتدال در اندیشه سیاسی امام خمینی (س)^۱

محمدعلی نظری

دانش‌آموخته دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب

اسلامی و مدرس دانشگاه کاشان، ایران

e-mail: m.a.nazary@gmail.com

یحیی فوزی (نویسنده مسئول)

استاد اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران، ایران

e-mail: yahyafozi@yahoo.com

سید صدرالدین موسوی

هیأت علمی اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران

e-mail: sadrmoosavi@gmail.com

زهرا سادات مسجدی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز و مدرس دانشگاه پیام نور قم، ایران

z_s_masjedy@yahoo.com

چکیده: دین اسلام در دوران بعد از رحلت پیامبر اسلام شاهد قرائت‌های مختلفی از خود بوده و فهم ناقص از این شریعت مقدس سبب تفرقه، نفاق و درگیری بین امت‌ها شده است. یکی از قرائت‌های مهم و اثرگذار که دارای پشتوانه نظری و عملی در سیره معصومین^(ع)، متکلمین، فقها و فلاسفه دارد، قرائت اسلام اعتدالی است. اعتدال به معنای دوری از افراط و تفریط در فهم و عمل به آموزه‌های شریعت مقدس اسلام است. امام خمینی در مقام یک نظریه‌پرداز سیاسی با پشتوانه علمی اقدام به نوآوری در عرصه سیاست نظری و عملی کرده است. این پژوهش با روش اسنادی و کیفی سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد که اعتدال چه نسبتی با اندیشه امام خمینی دارد و نتایج سیاسی آن کدام است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، امام خمینی با قرائتی اعتدالی از مبانی فلسفی، اخلاقی، فقهی و کلامی دین اسلام، به نظریه‌پردازی و رهبری یک نظام سیاسی در دوران معاصر پرداخته است که شکل‌گیری این نظام سیاسی بر پایه ولایت‌فقیه و مردم‌سالاری ماحصل آن بوده است.

واژگان کلیدی: امام خمینی (س)^۱، اعتدال، علوم اسلامی، نظام سیاسی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری است.

مقدمه

شناخت اسلام حقیقی و نظام‌سازی بر پایه آن یکی از دل‌مشغولی‌های مصلحان دینی در ادوار مختلف تاریخ اسلام بوده است. مسلمانان به فراخور شرایط سیاسی مانند استعمار، استثمار، استبداد و انحطاط فکری (دکم‌جیان، ۱۳۸۳: ۵۲-۴۰) بحران‌های هویت، مشروعیت، آشوب و فشار، تضاد طبقاتی، ضعف نظامی و فرهنگی و قرائت‌های مختلفی از اسلام داشته و نظام سیاسی مختلفی را نیز شکل داده‌اند. یکی از این قرائت‌های مهم و اثرگذار که دارای پشتوانه نظری و عملی در سیره معصومین^(ع) بوده اسلام اعتدالی است. قرآن کریم، امت اسلام را امت میانه و وسط نامیده است و می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره: ۱۴۳) و این چنین شما را امتی میانه (معتدل) ساخته‌ایم تا بر مردمان گواه باشید و پیامبر^(ص) هم بر شما گواه باشد. سیره پیامبر اسلام^(ص) سیره‌ی القصد به معنای اعتدال بوده و در رفتار فردی، در خانواده و اجتماع، در اداره امور و سیاست، در رویارویی با دشمنان و حتی در میدان نبرد، اعتدال را پاس داشته است. حضرت علی^(ع) می‌فرماید: یا ایها الناس علیکم بالقصد، علیکم بالقصد، علیکم بالقصد (نهج البلاغه، ۱۳۹۰: ۶۷)؛ ای مردم! بر شما باد به میانه‌روی، بر شما باد به میانه‌روی، بر شما باد به میانه‌روی. خداوند متعال عوامل خروج از اعتدال را جهل، (نمل: ۵۵) تمایلات نفسانی و هوای نفسانی (کهف: ۱۸ و ۲۸) معرفی کرده است.

علوم اسلامی در چهار حوزه کلام، فلسفه، اخلاق و فقه طبقه‌بندی می‌شود. کلام به استنباط و استخراج عقاید اسلامی تقسیم بندی می‌شود. توضیح مفاهیم اعتقادی اسلامی (ایجی، بی تا: ۸)، منظم ارائه کردن آموزه‌های اعتقادی (کاشفی، ۱۳۸۷: ۳۷)، اثبات اعتقادات و آموزه‌های دینی (لاهیجی، ۱۴۲۵ ج ۱: ۷۳-۷۴) و دفاع از عقاید دینی در برابر شبهه‌ها و ایرادها می‌پردازد (فارابی، ۱۳۳۵: ۷۷-۷۶). فلسفه با روش عقلی و برهانی، درباره مسائل کلی هستی مانند وجود، ماهیت، علیت و همچنین درباره معرفت، نفس، خدا و دین بحث می‌کند، فقه اسلامی به معنای علم به احکام جزئی شرعی یا به دست آوردن و شناخت وظیفه عملی مکلف از منابع و ادله شرعی است (مشکینی، ۱۴۱۶: ۱۸۰). اخلاق

اسلامی به بخشی از آموزه‌های دین اسلام گفته می‌شود که از فضایل و رذایل اعمال انسان سخن می‌گوید (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۸۳). این پژوهش سعی دارد به بررسی نسبت اعتدال در علوم اسلامی بر پایه تفکر امام خمینی پرداخته و نتایج سیاسی آن را بررسی نماید.

روش پژوهش

این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی - کیفی، به نسبت سنجی اعتدال در اندیشه امام خمینی پرداخته و نتایج سیاسی آن را بررسی کرده است. این پژوهش از نظر زمان تاریخی، ماهیت و محتوای اسنادی و تاریخی و از نظر متغیر مورد بررسی کیفی و هدف بنیادی است.

نسبت اعتدال با مبانی فلسفی اندیشه امام خمینی و نتایج سیاسی آن

فلاسفه اسلامی اعتدال را پایه و اساس هر فضیلتی دانسته‌اند، آنچه بر کیفیتی خاص وجود و ظهور می‌یابد، متصف به وصف اعتدال است و هر آنچه از حالت اعتدال حاصل می‌شود فضیلت محسوب می‌شود؛ بنابراین، «تعديل»، علت و سبب کمال هر موجودی است (ملاصدرا، ۱۳۴۲: ۳۰۴). فلاسفه از اعتدال تکوینی حاکم بر اشیای تکوینی بهره برده و در نحوه ایجاد اعتدال در نظم دنیوی و مدنی، حاکمان را به الگو گرفتن از اعتدال حاکم بر اشیای تکوینی ارجاع می‌دهند و از مباحث مهم و اثرگذار در فلسفه اسلامی بحث انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی است.

نسبت اعتدال با انسان‌شناسی در اندیشه امام خمینی و نتایج سیاسی آن

یکی از مؤلفه‌های اثرگذار امام خمینی در بسط و شرح اسلام اعتدالی توجه به انسان‌شناسی با تکیه بر مفهوم اعتدال است. در این رویکرد انسان خلیفه‌الله (طوسی، ۱۳۷۳: ۶۹)، تام مطلق یا ملک علی الاطلاق است (شیرازی، ۱۳۶۹: ۸۶)، چنین جایگاهی زمانی حاصل می‌شود

که عالم زمینی، عالم انسانی، زندگی مدنی و سیاسی بر تعادل و متوسطِ اشیای عالم هستی قرار بگیرد. فطرت آدمی نیز میل و گرایش به دوری از افراط و تفریط و حرکت به سوی کمال حقیقی دارد و کمال حقیقی در رعایت اعتدال صورت می‌گیرد. جوادی آملی معتقد است، اعتدال خلقت انسان به آگاهی او از مایه سعادت و شقاوت خویش است و الهام درست و نادرست به وی سبب تسویه و تعدیل آفرینش او می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۱۷۱). در بین آثار امام خمینی^(س) بیشترین بحثی که در مورد اعتدال مطرح شده در حوزه انسان‌شناسی و مباحث اخلاقی است. انسان در دو قوس نزول و صعود است، خدای تعالی می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ» (تین: ۵-۴): به تحقیق که ما انسان را در بهترین حد اعتدال آفریدیم، سپس او را به پست‌ترین مراحل بازگردانیدم.

قلب ما بسیار ضعیف و سخت بی‌ثبات است، به مجرد فی‌الجمله امتیاز و تعینی می‌لغزد و از اعتدال منحرف می‌شود. چه بسا باشد انسان بی‌چاره ضعیفی که از تمام مراحل شرف و انسانیت و عزت نفس و کمال آدمیت عاری و بری است (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۸۸).

ایشان برای حفظ اعتدال انسانی در عالم مادی تأکید می‌کند:

در این عالم که می‌بایست قوای حیوانیه را به طور اعتدال و نسبت نگه دارد تا بعد از آنکه اعتدال قوای حیوانی ملکه شد به عالم مجرد عقلانی ترقی کند و انسان باشد، در مرحله‌ای که حیوان است لا غیر اعتدال را از دست داده در وصفی یا اوصافی از اوصاف حیوانی ترقی کند، و حرکت جوهریه‌اش در صورتی ختم شود که در این اوصاف به حد کمال رسیده و در این اوصاف مجرد حاصل نموده باشد (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۱۸۱).

امام خمینی قوای انسانی را به چند دسته علم، شهوت، غضب و عدل تقسیم کرده و نقطه مرکزی آن‌ها را قوه اعتدال دانسته است؛ زیرا ریشه فضایل انسانی و اخلاقی بر آنان واقع شده است.

هر قوه یک مرکز دارد و لابد یک‌طرفش که در نهایت بُعد از مرکز اعتدال است در جانب ضعف می‌باشد و طرف دیگر مقابل آن نقطه که در نهایت

بُعد از مرکز است در جانب قوّت و شدت است که از یکی به افراط و از دیگری به تفریط تعبیر کردیم (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۳۵۷-۳۵۶).

قرائت اعتدالی از اسلام معتقد به اصل لاجبر و لاتفویض است، و اراده و اختیار انسان امتیازی است که او برگزیده خداوند روی زمین و اقامه کننده سیاست و هدایت و عمران و آبادی گردد و کائنات مسخر او شوند، آنگونه که ابوریحان بیرونی گوید «برگزیده شده بر خلافت و اقامه سیاست و عمارت زمین»، (بیرونی، ۱۳۷۶: ۷۶) اراده و اختیار زمانی به برگزیدگی خداوند منتهی می شود که آن دو در اعتدال قوای نفس و حاکمیت عقل بر دیگر قوا نقش مؤثری داشته باشند. انسان باعقل و اراده به دریافت علم و حکمت و دیگر فضائل و کمالات و به اعتدال کامل نفس می رسد تا در نهایت مراتب وجودی خود را بیابد (طوسی، ۱۳۷۳: ۶۷).

امام خمینی آزادی را حق ذاتی انسان و نعمت، رحمت و هدیه الهی و پاسداری از آن را جز دستورهای اسلامی دانسته است، اسلام انسان را آزاد خلق کرده و انسان را مسلط بر خودش، مالش، جانش و بر نوامیش خلق فرموده است و امر فرموده است که آزاد باشد (منتظرالقائم، ۱۳۸۱: ۱۸). امام خمینی بر دو زاویه از آزادی تکیه می کردند یک بعد آن، آزادی انسان از تکلیف بیرونی و دیگری بعد آزادی از سلطه انسانها است. آزادی انسان از تکلیف بیرونی، خواسته‌ای انسان محرک او برای استفاده از توان و آزادی است، پس همه همواره با تکلیف و دستورهای خود مواجهه می شوند (منتظرالقائم، ۱۳۸۱: ۲۳). از سویی دیگر لازمه وجود اختیار در انسان توانایی‌ها و نیازمندی‌های انسان از امکانات طبیعت و... است (منتظرالقائم، ۱۳۸۱: ۲۴).

یکی از نتایج محصل از قاعده لاجبر و لاتفویض در اسلام اعتدالی آزادی‌های سیاسی و اجتماعی افراد در جامعه و حکومت است، امام خمینی برای مردم در نظام سیاسی حقوق تأسیسی، نظارتی، مشارکتی و... قائل و بر اندیشه حق و تکلیف در اسلام تأکید و بر پایه‌ای اصولی و تعاملی بنیاد می نهد. ایشان معتقد بود مردم به‌عنوان شهروندان عناصر تشکیل دهنده نظام ولایی هستند، مردم باید از طریق امر به معروف و نهی از منکر حضور فعال در جامعه

داشته باشند، به عبارتی دیگر کارگزاری مردم با ساختی بودن نظام ولایی رابطه‌ای تعامل‌گرایانه دارد؛ به صورتی که هر یک از این دو بدون دیگری بی‌معنا خواهد بود. در اندیشه امام زیربنای اولیه حق مردم، آزادی است و شرایطی فراهم گردد که آزادی آنان حفظ شود و آنان بتوانند به امور خود رسیدگی کنند. در این تفکر مرد، زن و اقلیت دینی و قومی، نژاد و... اهمیت ندارد، بلکه آنچه موجب برتری انسان‌ها می‌شود تقوی الهی است و همه افراد از حقوق مساوی و برابر برخوردار هستند، امام خمینی حتی مشروعیت سیاسی و مقبولیت نظام ولایی را وابسته به حضور مردم در سیاست و اجتماع دانسته است. وی معتقد است ساخت ولایی جامعه باید شرایط مناسب را برای زندگی سیاسی، اجتماعی مردم فراهم آورد تا آنان بتوانند علاوه بر رشد مادی به تعالی و تکامل معنوی دست یابند. دیدگاه امام خمینی نسبت به حقوق مردم در جامعه ولایی اعتدال میان حق و تکلیف است؛ از آن روی که حق‌ها ماده اولیه بنیان مشروعیت تکلیف‌ها هستند، انتظار می‌رود که تکالیف تولیدی در راستای عملیاتی‌سازی حقوق پیشینی و فطری عقلانی در دین و حکومت دینی از جنس حقوق اولیه، همراه و همساز و هم‌داستان با آن حقوق باشند و این تکالیف اسباب توسعه، نشر و ژرفابخشی آن حقوق گردند. در واقع این تکالیف سازوکاری باشند که به‌طور طبیعی و تدریجی آن حقوق را اسکلت‌بندی کنند نه آنکه در جهت نفی، تضعیف، سست و بی‌بنیاد کردن آن تکالیف به‌طور ساختگی به کار روند.

نسبت اعتدال با معرفت‌شناسی در اندیشه امام خمینی و نتایج سیاسی آن

یکی از مباحث مهم و اثرگذار در اندیشه سیاسی مبتنی بر اعتدال، تبیین رویکرد معرفتی صحیح نسبت به اسلام است. گفت‌وگوی عقل و دین، از بحث‌انگیزترین مباحث فلسفی و کلامی بوده است. گروه‌ها و رویکردهای مختلف کلامی یا فقهی که در اثر این چالش به وجود آمده‌اند، در مسائل اعتقادی و شریعت و احکام، نظریات متفاوتی داشته‌اند. یکی از ویژگی‌های مهم و اصلی در مبانی فلسفی اسلام اعتدالی در حوزه معرفت‌شناسی توجه به

عقل و نقل و شهود است. امام خمینی عقل را یکی از منابع دین^۱ و همچنین در فهم دین از منابع نقلی به کارگیری عقل را لازم دانسته و با تأکید بر حسن و قبح عقلی، بر این باور است که اگر موضوعی با حکم عقل موافقت کند مستحق ثواب و اگر مخالفت کند مستحق عقوبت خواهد بود. یکی از پایه‌های اصلی اسلام اعتدالی را تعمق و تعقل و یکی از علت‌های اصلی به وجود آمدن نگرش‌های تک‌بعدی، انحرافی و خرافی به اسلام را به کار نگرفتن عقل در فهم دانسته (خسروپناه، ۱۳۹۶: ۱۹۷) اگر رفتار و اعمال انسان منطبق بر شرع مقدس باشد، قوه عاقله او تجرد بیشتری یافته ولی اگر مطابق با موازین شرع عمل نکند قوه واهمه او قدرت یافته و شیطان مسلط می‌شود، اعتدال در معرفت به معنای حکومت عقل و شرع بر همه قوای ادراکی و تحریکی نفس انسان است تا به حفظ حیات و کسب کمالات تا حد سعادت نهایی منجر شود.

نسبت اعتدال با مبانی کلامی اندیشه امام خمینی و نتایج سیاسی آن

۱. نوع نگرش به توحید، کفر و بدعت

توحید محور و مرکزیت اسلام سیاسی مبتنی بر اعتدال است، این نوع قرائت از اسلام در عقیده با اعتقاد به توحید و تسلیم در برابر حق تأمین می‌شود، توحید شامل توحید الوهیت، ربوبیت، توحید اسما و صفات است. حاکمیت الهی بر نظام هستی مبنای توحید هستی و معیار قوت و استحکام آن در عوالم مختلف - عالم سماوی و ارضی، عالم علوی و سفلی، عالم اخروی و دنیوی و عالم معقولات و محسوسات - است (نصیرالدین طوسی، ۱۳۷۳: ۲۸۴). عالم هستی جملگی بر پایه نظام احسن الهی خلق شده‌اند (ابن سینا، ۱۳۶۴: ۲۸۳). از نگاه این نوع اسلام، تأمل در توحید گویای این نکته است که هرچند در ظاهر، توحید به‌عنوان اصلی از اصول اعتقادی مسلمانان در کنار نبوت و معاد مطرح است، ولی در واقع این اصل اساس همه آنهاست و بازگشت آنها به توحید است؛ یعنی اساس هدایت

^۱ . از جمله رک: کتاب‌های اصولی امام خمینی.

انبیاء، رهبری امامان، عدالت، آزادی و معاد انسان‌ها ریشه در توحید دارد. بر این اساس نظام هستی نظامی معنادار و هدفمند است و خداوند برای آن برنامه دارد، در این قرائت اسلام دیدگاه واقع‌بینانه‌ای نسبت به نظام هستی دارد، در نظام تشریح (نظام ارادی سیاسی اجتماعی و مدنی) به وسیله حاکمیت سیاست اعتدال و رعایت آن، نظام موجب دوام و بقا شده و کارکرد مثبت می‌یابد، جایگاه خاص اعتدال در حیات مدنی و سیاسی سبب شده که بعضی قرار گرفتن در حد اعتدال را وجود در دایره «ظل الله» بدانند.

۲. سیره سیاسی و اجتماعی معصومین (ع)

یکی دیگر از مبانی اعتقادی و کلامی اسلام اعتدالی اعتقاد به نبوت و امامت و سیره سیاسی و اجتماعی معصومین (ع) است. یکی از مهم‌ترین دغدغه فیلسوفان تشریح و تبیین ولایت معصوم (بهترین حکومت اعتدالی) بوده است (فارابی، ۱۳۳۵: ۴۵) و این امر به تعبیر فارابی از رئیس اول و به تعبیر خواجه نصیرالدین طوسی از عهده امام برمی‌آید (طوسی، ۱۳۷۳: ۲۵۳). وی معتقد است رئیس اول دارای علم مدنی، علم به اعتدال، علم به صحت نفس، علم به نظام سیاسی و کیفیت توازن و ثبات آن را دارد (فارابی، ۱۳۳۵: ۲۴) به تعبیر جوادی آملی چنین کسی (حکیم جامع علوم) در مرکز اعتدال است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۳-۱۴)؛ بنابراین تدبیر حکیمانه حاکمان و رئیس اول نقش اساسی در استقرار ثبات و تعادل و پرهیز از افراط و تفریط دولت و حکومت در حوزه‌های مختلف نظامی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی دارد. چنین حکومتی هم می‌تواند بر قوای نفسانی و بدنی افراد جامعه حاکم شود و اعتدال قوای نفس ناطقه و نفس حیوانی و به تبع فضائل نظری و علمی را در پی داشته باشد و هم می‌تواند بر نظام تدبیر یک حکومت و نظام سیاسی و جامعه حاکم شود و تدبیر حکیمانه در شیوه مدیریت یک جامعه و نظام تصمیم‌گیری آن و تحصیل مصالح مردم را که کمال حقیقی افراد جامعه است، در پی آورد (طوسی، ۱۳۷۳: ۲۵).

۳. حکومت دینی

یکی از ویژگی‌های بارز در اسلام اعتدالی در حوزه سیاست و حکومت، تشکیل حکومت دینی در دوران غیبت معصوم^(ع) است، در این دیدگاه مسأله ولایت سیاسی شأنی از شئون امامت و مسأله‌ای کلامی و آمیخته باایمان است که عدم اعتقاد به آن به منزله انکار بخشی از دین و نقصان ایمان قلمداد می‌شود. جوادی آملی معتقد است ولایت به صفات و افعال الهی بازمی‌گردد، بر خداوند از باب حکمت و لطف واجب است که برای اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی، فقیهان عادل را به ولایت بر مردم منصوب فرماید (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۴۳).

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در رویکرد اسلام اعتدالی مورد بحث است، ویژگی حاکم و حکومت اسلامی است، از اسباب اعتدال در دولت و حکومت اعتدال شخص حاکم و اسباب اعتدال مُلک و دولت است، اسباب اعتدال حاکم اتصاف وی به فضائل نظری و عملی است (فارابی، ۱۹۹۵: ۱۲۸-۱۲۷). حاکم باید در فکر و نظر و افعال و اخلاق خود در اعتدال به سر ببرد و از آن طریق مصالح شخصی خود و مصالح عامه مردم را به‌نظام و تعادل درآورد یا اگر در اعتدال هستند به اعتدال باقی بمانند.

باید که حاکم افعال و اخلاق او بر وجه اعتدال باشد تا مصلحت شخصی او

و مصلحت عامه عالم بر وجه انتظام باقی ماند (شیرازی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۶).

درحالی‌که روشنفکران سکولار عمدتاً از منتقدان حکومت دینی و معتقد به سکولاریسم در حوزه سیاسی بوده و وظایف و عملکرد دین و سیاست را متفاوت از یکدیگر دانسته و اسلام را به‌عنوان یک دین ذاتاً غیرسیاسی تقلیل داده‌اند؛ آنان معتقدند غیرسیاسی بودن دین اسلام، به معنای عدم تعیین نوع خاصی از حکومت بوده و منافاتی با تأکید آن بر ارزش‌های سیاسی و اجتماعی خاص نداشته است. اسلام ارزش‌های سیاسی خاص، به‌ویژه عدالت را مورد تأکید قرار داده است اما این به مفهوم تأکید بر نوع خاص از حکومت نبوده است، آنان با برداشت رسمی از دین مخالفت کرده‌اند.

در دیدگاه بنیادگرایی در دوران بعد از رحلت پیامبر (ص) خلافت اسلامی هدف متعالی است. حسن البنا معتقد است خلافت سمبل وحدت اسلامی است و بسیاری از امور دینی و دنیوی به آن گره خورده است. خلافت علاوه بر آنکه مسأله فقهی است مسأله اعتقادی و کلامی است. بهترین حکومت اسلامی حکومت خلفای راشدین بوده است؛ زیرا پایه‌های اجتماعی آن بر قرآن استوار بوده و در تمام ظواهر و ابعاد آن وحدت زنده و نمایان بوده است. وحدت اجتماعی متضمن تعمیم نظام و زبان قرآن است، وحدت سیاسی در سایه امیرالمؤمنین و تحت لوای خلافت در پایتخت محقق می‌شود (موصلی، ۱۳۹۳: ۱۱۰). برای رسیدن به خلافت باید اموری نظیر همکاری فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کامل بین کشورهای اسلامی صورت گرفته و پیمان‌های و معاهدات متعدد برگزار و در نهایت اتحادیه اسلامی یا جامعه اسلامی که وظیفه انتخاب خلیفه را برعهده دارد شکل بگیرد (موصلی، ۱۳۹۳: ۱۰۶).

۴. تأکید بر محوریت عدالت

یکی از مؤلفه‌های اسلام اعتدالی در اندیشه امام خمینی اعتقاد به اصل عدالت است. عدالت از مفاهیمی است که در سنت فلسفه اسلامی معنا و حقیقت خود را از اعتدال اخذ می‌کند؛ بدین معنا که عدالت به معنای «وضع الشيء فی موضعه» است. عدالت در جامعه دارای دو جایگاه سلبی - ایجابی است، عدالت از نگاه سلبی به از بین بردن ضد خود در جامعه پرداخته است و از نگاه ایجابی به پایداری اجتماع، اصلاح مردم، پایداری و قدرت دولت، آبادی و برکت توجه دارد، گفتمان سکولار اسلامی در باب عدالت به نظریه «زائد بودن عدالت» معتقد است. بدین معنا که در عین اینکه، همه حقوق و ارزش‌ها را متوقف بر عدالت می‌داند اما مفهوم عدالت را، مفهوم زائدی می‌داند. در واقع عدالت فضیلتی زائد بر فضائل دیگر و مستقل از آنها نیست. بلکه عین فضائل اخلاقی است؛ یعنی همین که به ما گفته‌اند، راست بگویید، دروغ نگویید.

۵. تأکید بر احیای هویت دینی و فرهنگ اسلامی

یکی از مؤلفه‌های مهم اسلام اعتدالی در اندیشه امام خمینی که در چهارچوب مباحث کلامی و ذیل بحث توحید قرار می‌گیرد، احیای هویت دینی است. احیای هویت، به‌عنوان مهم‌ترین دغدغه نحل‌های فکری اسلامی معاصر است، و به عبارتی دیگر فصل مشترک تمامی جنبش‌های دینی بازیابی هویت از دست‌رفته است جستجوی هویت جمعی در گفتمان اسلامی، نیازی ذاتی برای دستیابی به یک خویش‌ن اجتماعي منسجم و پیوسته سرچشمه گرفته است. امام خمینی بر هویت اسلامی تأکید وافر داشته و رویکرد خاصی به مباحث هویتی داشته است. ایشان معتقد است:

ما تا تمام حیثیت خودمان را نفهمیم، نفهمیم ما چی بودیم، ما در تاریخ چه بودیم، چه هستیم، چه داریم، تا اینها را نفهمیم، استقلال نمی‌توانیم پیدا کنیم. تا فکر شما مستقل نباشد، کشور شما مستقل نمی‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۳۹۲).

جنبش‌های اجتماعی نوین اسلامی در دهه‌های اخیر تابعی از دو روند بازسازی و انطباق سازی بوده است، این جنبش‌ها به دنبال احیاء اسلام و تطابق با مدرنیته بوده‌اند این جنبش‌ها پایی در سنت و یک پا هم در تجدد داشته و این ویژگی متجدد سبب تطبیق آن با شرایط متغیر زمانی و مکانی و به اصطلاح موجب وضعیت‌مندی نظریه‌پردازی دینی گردیده است.

۶. استکبارستیزی

یکی از مؤلفه‌های اسلام اعتدالی در اندیشه امام خمینی که برآمده از رویکرد کلامی و توحید است، استکبارستیزی و مبارزه و قیام برای خداست. امام خمینی با استناد به آیه شریفه «قُلْ أَنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْفٍ» (سبا: ۴۶) می‌فرماید:

خدای تعالی در این کلام شریف، از سرمنزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت را بیان کرده، و بهترین موعظه‌هایی است که خدای عالم از میانه تمام موعظ انتخاب فرموده و این یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده. این کلمه تنها راه اصلاح دو جهان است (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۱).

خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۲).

نسبت اعتدال با مبانی اخلاقی اندیشه امام خمینی و نتایج سیاسی آن

اسلام سیاسی امام خمینی مبتنی بر معیار اعتدال در حوزه اخلاق است. ارسطو معیار اخلاق و رمز نیک بختی را میانه‌روی و رعایت حد وسط می‌دانست (ارسطو، ۱۳۸۵: ۷۶). نظریه ارسطو که حنین بن اسحاق آن را به عربی ترجمه کرد، در آرای اندیشمند بزرگی همانند فارابی، ابن مسکویه رازی، خواجه نصیرالدین طوسی و محمد مهدی نراقی قرار گرفت، در رویکرد فضیلت‌گرایانه اخلاقی میانه‌روی بین افراط و تفریط، معیار سنجش اخلاق بوده و هر آنچه در اعتدال باشد فضیلت محسوب می‌شود؛ و گرنه رذیلت است (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۰۶). در اسلام اعتدالی در حوزه اخلاق علاوه بر پذیرش حسن و قبح عقلی شأن گزاره‌های اخلاقی را مانند گزاره‌های خبری شأن کاشفیت دانسته و احکام اخلاقی را مطلق و غیر نسبی می‌دانند؛ اما عقل در تشخیص درستی و نادرستی عمل نیازمند به شرع است. امام خمینی در باب احکام اخلاقی، وظیفه‌گرا بوده و به نتیجه و فضیلت توجه جدی دارند؛ و وظیفه‌گرایی در اندیشه اخلاقی ایشان جدای از نتیجه‌گرایی و فضیلت‌گرایی نیست؛ زیرا ایشان، حسن و قبح را به مثابه بنیان اخلاق و سعادت را به مثابه غایت اخلاق معرفی می‌کنند. در عین حال، معتقدند رسیدن به سعادت یا نتیجه مطلوب و همین‌طور تربیت انسان فضیلت‌مند میسر نمی‌شود، مگر از طریق عمل به وظایفی که عقل و شرع برای انسان مشخص نموده است. در نگاه اخلاقی امام خمینی عقل، امری لازم، اما غیر کافی است. از این رو، فطرت، دین و عقل، به یاری یکدیگر برخاسته تا آدمی را برای رسیدن به سرمنزل مقصود، رهنمون نمایند. نکته دیگر، اطلاق احکام اخلاقی و عدم نسبییت آن‌ها در دیدگاه امام خمینی است؛ و گزاره‌های اخلاقی حاکی و کاشف از خوب و بد‌های واقعی و نفس

الامری است. لذا ارزش‌های اخلاقی ثابت و دائمی وجود دارند که مسیر فضیلت و سعادت را برای انسان مهیا می‌سازند.

از دیدگاه اخلاق اسلامی، سعادت و کمال انسان و جامعه دوری از افراط و تفریط و حفظ اعتدال در جامعه است که در نتیجه این تعادل، از قوه عاقله «حکمت» و از قوه عامله (عقل عملی) «عدالت» و از تعادل نیروی غضب، «شجاعت» و از تعادل نیروی شهوت «عفت» و پاک‌دامنی به دست می‌آید (ملاصدرا، ۱۳۸۸ الف ج ۴: ۱۱۶). امام خمینی شرط حشر انسانی در عالم دیگر را حفظ اعتدال در اوصاف انسانی دانسته و معتقدند اگر انسان دارای ملکات فاضله انسانی باشد و از اعتدال خارج نشده و محشور گردد بر اساس آیه شریفه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت: ۶۹) به سعادت نهایی منجر خواهد شد (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۴۵). البته باید شرایط اجتماعی و سیاسی به گونه‌ایی باشد که انسان در سیر حرکت قرار گیرد و به کمال مطلق دست یابد (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۵ ج ۳: ۴۱۳ - ۴۱۲). امام خمینی راه رسیدن به کمال انسان را طریق اعتدال میان قوا و حاکمیت عقل طرح ساخته است و در جامعه الگویی را پیش‌بینی و نام آن را انسان کامل می‌نهد:

مؤمنین چون تابع انسان کامل هستند، در سیر و قدم خود را جای قدم او گذارند و به نور هدایت و مصباح معرفت او سیر کنند و تسلیم ذات مقدس انسان کامل هستند و از پیش خود قدمی برندارند و عقل خود را در کیفیت سیر معنوی الی الله دخالت ندهند، از این جهت، صراط آن‌ها نیز مستقیم و حشر آن‌ها با انسان کامل و وصول آن‌ها به تبع وصول انسان کامل است؛ به شرط آن که قلوب صافی خود را از تصرفات شیاطین و انیت و آنانیت حفظ کنند و یکسره خود را در سیر، تسلیم انسان کامل و مقام خاتمیت کنند (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۵۳۲).

امام خمینی ولایت عرفانی را رسیدن به مقام فنای فی الله و قرار گرفتن تحت ولایت مطلقه الهیه است که منشأ اصلی ولایت سیاسی - اجتماعی است و با توجه به نکته دقیق و عمیق یادشده می‌توان گفت ولایت سیاسی بر ولایت عرفانی یا ولایت ظاهری بر ولایت باطنی متفرع و مترتب است و شاخصه‌های آن غیر از اسلام‌شناسی جامع و فقاہت کامل

(چه فقه علمی و چه فقه عملی) در نقد پندار عبودیت الهی و خلوص فعلی ذاتی نهفته است. از دیدگاه عرفان اسلامی سعادت و کمال انسان دوری از افراط و تفریط است (ملاصدرا، ۱۳۸۸، ج ۴: ۱۱۶). امام خمینی از لحاظ رویکرد اخلاقی حکومت انسان کامل را مورد تأیید قرار داده است. انسان کامل در نگاه امام خمینی، پیامبر^(ص) و ائمه معصومین^(ع) هستند و در دوران غیبت نزدیک‌ترین شخص به انسان کامل باید ضمام امور را برعهده بگیرد و نظام سیاسی قائم به اوست (مهاجرنیا، مصاحبه). در گفتمان سکولار اسلامی، اخلاق مبنا و رویکردی فردی، عرفی و بر مبنای حقوق طبیعی است، این رویکرد منجر به جدایی حوزه دین و جامعه شده است.

نسبت اعتدال با مبانی فقهی اندیشه امام خمینی و نتایج سیاسی آن

۱. نوع نگرش به احکام سیاسی و اجتماعی اسلام

امام خمینی توجه ویژه‌ای به فقه دارد و با توجه به رویکردی اعتدالی که دارند نوآوری‌های فراوانی در این حوزه به وجود آوردند. ایشان توانست فقه را از لحاظ فردی جدا ساخته و وارد حوزه اجتماعیات و سیاست کند و به تعبیری فقه را نظام‌مند سازد. توجه به فقه حداکثری در اندیشه امام خمینی منجر به تحول در فقه سیاسی و تشکیل حکومت اسلامی و نظام ولایی برمدار ولایت فقیه و افزایش گستره و دامنه فقه حکومتی و فقه سیاسی بوده است. فقیه در این رویکرد فقه، حقوق و قوانین اسلامی را می‌شناسد. در حوزه زندگانی عمومی و فردی انسان‌ها فقه احاطه تام دارد؛ یعنی تمام ابعاد زندگی انسان را به لحاظ حقوقی و قانونی دربر می‌گیرد (فوزی، ۱۳۹۵: ۵۹) برخی از مؤلفه‌های فقه سیاسی در اسلام اعتدالی مورد تأکید است.

۲. نوع نگرش به اجتهاد، نقش زمان و مکان و مصلحت

یکی از ویژگی‌های اصلی اسلام اعتدالی امام خمینی در حوزه معرفتی، استفاده از اجتهاد با توجه به شرایط زمانی، مکانی و تأکید بر مصلحت است. در تفکر شیعی اجتهاد از لوازم

تفکر دینی بود؛ از این رو، شیعه در مسائل کلامی، به حکمت متعالیه رو می آورد و در مسائل فقهی، علم اصول فقه را برای توجیه تفقه بر پایه تعقل تأسیس کرد و رشد داد. اجتهاد به معنای دست آوردن احکام از دلایل شرع اجتهاد است (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۱۷۹). شهید مطهری اجتهاد را مفهومی «نسبی» و «متکامل» دانسته، منظور از نسبی بودن اجتهاد این است که معرفت مجتهدان به برخی از موضوعات اجتهادی آن‌هم در بُعد فروع و جزئیات نسبی بوده و تحت تأثیر تکامل طبیعی علوم و افکار و تحولات بشری قرار می گیرد. اما بیشتر جریان اهل سنت به مخالفت با اجتهاد پرداخته‌اند. ممنوعیت رسمی اجتهاد از سال ۲۴۱ هجری و با تألیف **تهافت الفلاسفه** توسط غزالی، از ضربات مهم بر عقل گرایی دینی در جامعه تسنن است. به تدریج در دوران معاصر متفکران تسنن تجددخواه و دارای اندیشه فلسفی، عقل گرایانه و اجتهادی سعی کردند به پیروی عقل در معرفت شریعت و مقابله با انسداد علم پردازند؛ اما عقل گرایی آنان با عقل گرایی و اجتهاد شیعی متفاوت است.^۱ آنان در به کارگیری اجتهاد و فهم احکام دینی در دوران معاصر دچار اشتباه شده و قیاس را جایگزین اجتهاد کرده و مصالح مرسله سد ذرائع را دو ابزار استفاده استنباط احکام شرعی قرار داده‌اند. جریان‌های سکولار برای فهم دین از روش هرمنوتیکی بهره گرفته‌اند.

۳. انطباق سازی^۲ مفاهیم دینی بر اساس اعتدال

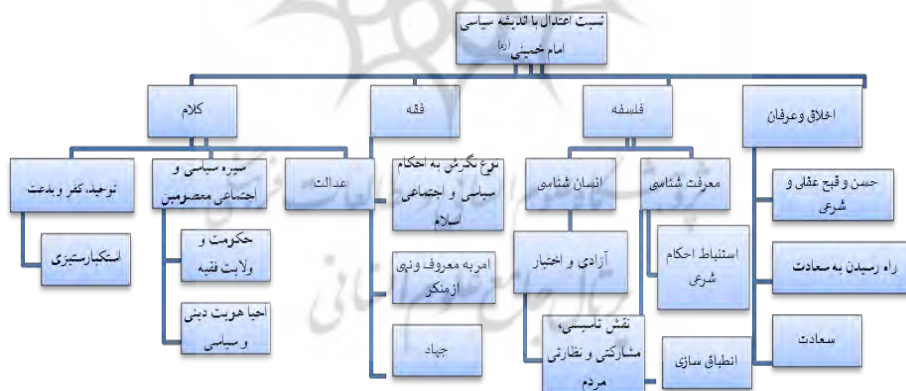
یکی از ویژگی‌های بارز اسلام اعتدالی امام خمینی در حول مسأله مصلحت و انطباق سازی مفاهیم دینی بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی است. در طول تاریخ تمدن اسلامی، به خصوص قرن معاصر، جریان‌های اسلامی در رویارویی با تحولات سیاسی و اجتماعی

^۱. بازتاب اندیشه خرداد ۱۳۸۵، شماره ۷۴.

<http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/30288109>

^۲. انطباق سازی شرط ورود قانونی در نظام و رویکرد مثبت دولت‌ها نسبت به تحولات جدید بوده است (اسپوزیتو و وال، ۱۳۸۹: ۱۸).

جدید سه استراتژی داشتند. بنیادگرایان به نفی و خشونت، روشنفکران سکولار جذب حداکثری و اسلام اعتدالی به انطباق سازی بر اساس مصلحت امت اسلامی پرداختند. اسلام اعتدالی یا همان نوع نگرش امام خمینی سعی کرده است با حفظ بنیان‌های دینی خود بر اساس مصلحت امت اسلامی به انطباق‌سازی ساختارها و مفاهیم موجود اسلامی با مدرنیته و شرایط جدید (اسپوزیتو و وال، ۱۳۸۹: ۲۲)، نفی خشونت (روا، ۱۳۸۷: ۴۱)، بهره‌گیری از ظرفیت داخلی منابع اسلامی (قرآن و سنت) و مشارکت همگانی دموکراتیک (اسپوزیتو و وال، ۱۳۸۹: ۲۴) بپردازد. این رویکرد بر اعتدال میان اسلام و دموکراسی، اسلام و آزادی تأکید دارد (بخشی و زنگنه، ۱۳۹۴: ۲۷)؛ به عبارتی آنان سعی کرده‌اند برای دموکراسی، آزادی‌های سیاسی، انتخابات و ... توجیحات دینی پیدا کنند و این مفاهیم را جزء اسلام اصیل معرفی و انطباق دهند و سعی کنند در فضای سیاسی و اجتماعی نیرویی فعال و اثرگذار باشند.



نتیجه‌گیری

شناخت صحیح از اسلام بعد از رحلت پیامبر^(ص) تا دوران معاصر، دغدغه جدی مسلمانان بوده است. کلام، فلسفه، اخلاق و فقه چهار حوزه اصلی و مهمی است که دانشمندان علوم دینی از پنجره آن به اسلام نگریسته‌اند. برخی از جریان‌های فکری با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی و با نادیده گرفتن و حتی موضع‌گیری نسبت به برخی از این حوزه‌ها نضج یافته و مبدأ نظام‌های سیاسی و اجتماعی بوده‌اند. این پژوهش به بررسی یکی از مهم‌ترین قرائت‌های اسلامی یعنی اسلام اعتدالی با توجه به دیدگاه امام خمینی در چهار حوزه کلام، فلسفه، اخلاق و فقه پرداخته و آثار سیاسی آن را بررسی کرده است. اسلام اعتدالی معتقد است نظام هستی بر مبنای اعتدال بنا شده و باید توحید ربوبی و سیاسی در جهان استقرار یابد. این گفتمان سیره سیاسی معصومین^(ع) را تحقق‌بخش اعتدال و حاکمیت الله و ولایت مطلقه فقیه در دوران غیبت را اصلی کلامی و استمراردهنده نظم اعتدالی توحیدی و نبوی دانسته است. برقراری عدالت، احیای هویت دینی و فرهنگ اسلامی و استکبارستیزی از دیگر نتایج کلامی اسلام اعتدالی است. اسلام اعتدالی مبتنی بر دیدگاه امام خمینی در حوزه معرفتی قائل به اعتدال میان عقل و نقل در شناخت معارف دینی است و به اجتهاد جواهری بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی بر مبنای مصلحت تأکید ویژه دارد. آثار سیاسی منتج آن، موجب انطباق‌سازی مفاهیم دینی و جدید می‌شود. این گفتمان در حوزه انسان‌شناسی به اعتدال میان قوا اعتقاد داشته و فضیلت را حاکمیت عقل معرفی می‌کند. آزادی و اختیار و تأکید بر نقش تأسیسی، نظارتی و مشارکتی مردم در عرصه حکومت از نتایج این دیدگاه است. اسلام اعتدالی ضمن تأکید بر حسن و قبح عقلی و شرعی راه رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی را اعتدال میان قوا و پیروی از انسان کامل معرفی می‌کند. این گفتمان در حوزه فقهی به نوآوری بی‌شماری دست‌زده و فقه را از حالت فردی خارج کرده است و خوانشی جدید از امر به معروف، نهی از منکر، دعوت و جهاد ارائه داده است. در مقابل، رویکردهای سکولار اسلامی معتقد به روش‌های هرمنوتیکی و تفهیمی، محدود کردن دین به حوزه فردی و آزادی فردی، لیبرال دموکراسی

و کثرت گرایی است. بنیاد گرایی اسلامی ضمن اعتقاد به جامعیت اسلام، تشکیل حکومت دینی، تحقق عدالت و اجرای احکام اسلامی در جامعه، از ابزار معرفتی قیاس محور بهره گرفته و از جهاد و نبرد مسلحانه به عنوان ابزار ایدئولوژیک استفاده کرده است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۳ق) عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینییه، بی جا، بی نا.
۴. ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۶۴) النجاه، تهران: نشر مرتضوی.
۵. ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد. (۱۳۷۶) تحقیق ماللهند، قم: بیدار.
۶. ارسطو. (۱۳۸۵) اخلاق نیکوماخوس، مترجم محمدحسن لطفی، تهران: طرح نو، چاپ دوم.
۷. ارسطو؛ وال جان. (۱۳۸۹) جنبش های اسلامی معاصر اسلام و دموکراسی، تهران: نشر نی.
۸. بخشی، احمد؛ پیمان زنگنه. (۱۳۹۴) «واکنش جنبش های اسلامی معاصر نسبت به جهانی شدن: انطباق یا تعارض سیاسی»، مطالعات جهان اسلام، شماره ۱۵، صص ۳۲ - ۱.
۹. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶) تفسیر انسان به انسان، قم: اسرا.
۱۰. خسرو پناه، عبدالحسین. (۱۳۹۶) منظومه فکری امام خمینی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ چهارم.
۱۱. _____ . (۱۳۷۸) حکمت نظری و علمی در نهج البلاغه، قم: نشر اسراء، چاپ هفتم.
۱۲. خمینی (امام)، روح الله. (بی تا) ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
۱۳. _____ . (۱۳۸۹) صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ پنجم.
۱۴. _____ . (۱۳۵۹) شرح دعای سحر، تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (س).
۱۵. _____ . (۱۳۶۰) مصباح الهدایه الی خلافه و ولایه احمد فهری، تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (س).

۱۶. _____ . (۱۳۷۳) تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الأنس، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۱۷. _____ . (۱۳۷۶) تفسیر سوره حمد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۱۸. _____ . (۱۳۷۸) آداب الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم.
۱۹. _____ . (۱۳۸۱) تقریرات فلسفه امام خمینی (سه جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
۲۰. دکمجان، هرایر. (۱۳۸۳) اسلام در انقلاب: جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب، بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
۲۱. شیرازی (ملاصدرا)، صدرالدین محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۸ق) اسفار، ترجمه محمد خواجهی، جلد ۲ و ۴، تهران: انتشارات مولی، چاپ سوم.
۲۲. _____ . (۱۳۸۸ب) الحکمه المتعالیه فی اسفار العقلیه الاربعه.
۲۳. _____ . (۱۳۴۲) مبدأ و معاد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
۲۴. شیرازی، قطب الدین محمد بن مسعود (۱۳۶۹). ذرة التاج (جلد ۲). تصحیح محمد مشکات. تهران: حکمت.
۲۵. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۴۱۵ق). مجمع البحرین (ج ۲). قم: مؤسسه البعثة، مرکز الطباعة والنشر.
۲۶. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۳) اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: خوارزمی، چاپ پنجم.
۲۷. عنایت، حمید (۱۳۸۹) سیری در اندیشه های سیاسی جهان عرب، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم.
۲۸. فارابی، ابونصر. (۱۹۹۵) آراء اهل المدینه الفاضله، بیروت: دارمکتبه الهلال.
۲۹. _____ . (۱۳۳۵) احصاء العلوم: بی جا.
۳۰. فوزی، یحیی. (۱۳۹۵) مبانی نقلی اندیشه اسلام، تهران: انتشارات عروج.
۳۱. قاضی عبدالرحمن بن احمد ایجی. (بی تا) المواقف فی علم الکلام، قم: انتشارات علم الکتب.
۳۲. قطب الدین شیرازی. (۱۳۶۹) ذرة التاج (جلد ۱)، تصحیح محمد مشکوه، تهران: حکمت.
۳۳. لاهیجی، عبدالرزاق. (م ۱۰۷۲ق) شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام (جلد ۱)، تحقیق اکبر اسد علیزاده، نشر مؤسسه امام صادق (ع)، قم: بی نا.
۳۴. محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۳) معارج الاصول، قم: انتشارات آل البيت.

۳۵. مشکینی، علی. (۱۴۱۶ق) اصطلاحات فقهی و اصولی، قم: الهادی، چاپ ششم.
۳۶. منتظرالقائم، مهدی. (۱۳۸۱) آزادی‌های شخصی و فکری از نظر امام خمینی و مبانی فقهی آن، تهران: انتشارات عروج.
۳۷. موسوی اردبیلی، عبدالغنی. (۱۳۸۵) تقریبات فلسفه، جلد: ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۸. موصلی، احمد. (۱۳۸۸) مبانی نظری بنیادگرایی، قراء نظریه تاسیسه فی الخطابات اسلامی الاصولی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

